Thematic analysis of Instagram users' comments on the 1401 protests

This study aims to examine how the 2022 protests were represented on Instagram. The central research question concerns the primary themes found in user comments on high-traffic pages regarding the 2022 protests. To this end, ten high-traffic pages that were highly active during the protests were purposively selected; user comments posted on these pages during the autumn of 2022 were collected using systematic random sampling and analyzed via thematic analysis. The main themes identified in the user comments on the selected pages are as follows: "Efforts to maintain the momentum of collective action and take control of the protests' trajectory," "collective emotional responses to socio-political stagnation," "exerting political and moral pressure on elites to take effective action in advancing the protests," "the dominance of emotional and moral language in articulating demands," "contestation over political legitimacy and national identity," and "defense of the discourse supporting the established order." The findings indicate that during the 2022 protests, Instagram served not merely as a platform for content dissemination but as a space where content acquired new meanings. The extracted themes reveal that high-reach pages with active user bases played a significant role in shaping public perception of the protests through the employment of various media strategies. These results could pave the way for deeper studies on the role of social networks in the representation of social and political events in Iran.

Keywords: 1401 protests, Instagram, users, Mahsa Amini, content analysis

ویراستاری نشده

تحلیل مضمون نظرات کاربران اینستاگرام در اعتراضات ۱۴۰۱

۱. عباس خورشیدنام

استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

Abbas_khorshidnam@yahoo.com

۲. امیرعظیمی دولت آبادی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.azimi@ir-khomeini.ac.ir

۳. فرشته شوکتی میر

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

fereshteh.shokati.mir@gmail.com

چکیده: این پژوهش با هدف بررسی چگونگی بازنمایی اعتراضات ۱۴۰۱ در شبکه اجتماعی اینستاگرام انجام شده است. سوال اصلی پژوهش این است که مضامین اصلی کامنت‌های کاربران در صفحات پرمخاطب در مورد اعتراضات سال ۱۴۰۱ چه بوده است. بدین منظور، ده صفحه پرمخاطب که در دوره اعتراضات فعالیت بسیار پررنگی داشتند، به‌صورت هدفمند انتخاب و کامنت‌های منتشر شده توسط کاربران در آنها در پاییز ۱۴۰۱ مشخص با روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک گردآوری و به روش تحلیل مضمون تحلیل و بررسی شد. مضامین اصلی در کامنت‌های منتشر شده از سوی کاربران در صفحات منتخب، عبارت‌اند از: «تلاش برای حفظ پویایی کنش جمعی و به دست گرفتن سرنوشت اعتراضات»، «پاسخ‌های عاطفی جمعی به انسداد سیاسی-اجتماعی»، «اعمال فشار سیاسی-اخلاقی بر نخبگان برای اقدام موثر جهت پیشبرد اعتراضات»، «غلبه زبان عاطفی و اخلاقی در بیان مطالبات»، «منازعه بر سر مشروعیت سیاسی و هویت ملی» و «دفاع از گفتمان حامی نظم مستقر». یافته‌ها نشان می‌دهد که اینستاگرام در اعتراضات ۱۴۰۱ فقط بستری برای انتشار محتوا نبوده، بلکه فضایی بوده که محتواها در آن معانی تازه یافته‌اند. مضامین استخراج‌شده نشان می‌دهد که صفحات پرمخاطب با کاربران فعال با بهره‌گیری از راهبردهای رسانه‌ای مختلف، در شکل‌دهی به ادراک عمومی از اعتراضات نقش مؤثری داشته‌اند. این نتایج می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات عمیق‌تر درباره نقش شبکه‌های اجتماعی در بازنمایی رویدادهای اجتماعی و سیاسی در ایران باشد.

کلیدواژه‌ها: اعتراضات ۱۴۰۱، اینستاگرام، کاربران، مهسا امینی، تحلیل مضمون

۱. مقدمه و بیان مسئله

در دو دهه اخیر، گسترش شبکه‌های اجتماعی، چشم‌انداز جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان را دگرگون کرده است. این شبکه‌ها نحوه سازمان‌دهی اعتراضات، انتشار اطلاعات و ایجاد همبستگی را متحول کرده و اغلب با پشت سر گذاشتن محدودیت‌های رسانه‌ای سنتی و سانسور دولتی، فضای تازه‌ای برای کنش‌گری فراهم کرده‌اند. سکوهایی مانند اینستاگرام، توییتر و فیسبوک فضاهایی در دسترس‌اند که جنبش‌ها می‌توانند به میانجی آنها به سرعت منتشر شوند و مشارکت عمومی را تسهیل نمایند. این فضا فقط ابزاری برای ارتباط کاربران نیست؛ بلکه عرصه‌ای است برای ساخت روایت‌های جدید، برجسته‌سازی صداهای کمتر شنیده شده و به چالش کشیدن روابط قدرت. شبکه‌های اجتماعی با گزینش و انتشار رویدادهای مختلف و برجسته کردن برخی از آنها در شکل‌دهی به نگرش‌ها و باورهای بخش قابل توجهی از اعضای جامعه موثرند. آنها با سه کارکرد «عرضه اطلاعات مربوط به موضوعات از طریق پخش اخبار»، «انتقال دامنه وسیعی از پیام‌ها از مقامات حکومتی و سیاستمداران به مردم» و «مورد بحث و بررسی قرار دادن موضوعات، برجسته کردن برخی خبرها و تفسیر و تحلیل آنها و تهییج و تغییر دیدگاه‌های مردم» افکار عمومی را جهت‌دهی می‌کنند (قجری دهقانی، ۱۴۰۰، ص. ۱۵، به نقل از فرامرزیانی و نورانی زنوز، ۱۴۰۳).

اهمیت شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در جوامعی که آزادی بیان در آنها محدود یا کنترل‌شده است، بیشتر نمایان می‌شود. رخدادهایی مانند بهار عربی نشان داده‌اند که سکوهای دیجیتال چگونه می‌توانند از طریق گفتمان‌سازی، کنش جمعی را تسهیل کنند. این شبکه‌ها احساسی از اضطرار، درگیری عاطفی و ساختاری شبکه‌ای برای بسیج فراهم می‌کنند که شرایط را برای تمرکززدایی و مشارکت گسترده فراهم می‌سازد. هشتگ‌ها، نمادهای بصری، محتوای تولیدشده توسط کاربران و اشتراک‌گذاری‌ها، در شکل‌گیری هویت جمعی و حافظه عمومی نقش اساسی دارند. مانوئل کاستلز (۲۰۱۲)، در کتاب *شبکه‌های خشم و امید* بیان می‌کند که جنبش‌های اجتماعی امروز از شبکه‌های دیجیتالی که در آن‌ها شکل می‌گیرند و فعالیت می‌کنند، جدایی‌ناپذیرند.

به همین دلیل است که شبکه‌های اجتماعی تأثیرات چشمگیری بر سیاست دارند؛ چنانکه با گسترش استفاده بازیگران جامعه مدنی از اینترنت در سطوح ملی، فراملی، منطقه‌ای و جهانی، نقش‌آفرینی آن در تعاملات و چالش‌های سیاسی بیشتر نمایان می‌شود (سردارنیا، ۱۳۸۸، به نقل از ربیعی). شبکه‌های اجتماعی مجازی، با جای دادن گستره وسیعی از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی در فضای مجازی خود، از یک سو، ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران اجتماعی گوناگون هستند و از سوی دیگر، منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی -اجتماعی در جهان و عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم به شمار می روند. ازاین‌رو، می‌توان گفت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، مهم‌ترین تجلی و نشانه قدرت نمادین، هویت‌سازی و تبلیغات در عصر جدید هستند و سیاست و تحولات سیاسی تا اندازه قابل توجهی به این رسانه‌های فراگیر و جهانی وابسته است (ربیعی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۸).

اعتراضات موسوم به «زن، زندگی، آزادی» که در سال ۱۴۰۱ هم‌زمان با ماجرای درگذشت مهسا امینی در ایران شکل گرفت، به‌مرور و عمدتاً از طریق شبکه‌های اجتماعی و شکل‌گیری واکنش‌های کاربران آن گسترش یافت. در سال ۱۴۰۱، ویدئوها و گزارش‌هایی با محتوای برخورد گشت ارشاد با برخی زنان در فضاهای عمومی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد که واکنش‌های گسترده‌ای را در داخل کشور و همچنین در بین بخش‌هایی از ایرانیان خارج از کشور به وجود آورد. در این زمان، اعتراضات صرفاً به موضوع

حجاب محدود نماند، بلکه به‌عنوان انعکاسی از مجموعه‌ای از نارضایتی‌ها نسبت به مسائل گسترده‌تر از جمله تبعیض جنسیتی، سیاست‌های دولتی، محدودیت‌های حکومتی و دغدغه‌های مرتبط با آزادی‌های فردی مورد توجه قرار گرفت.

معترضان از اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی برای انتشار روایت‌های شخصی، بیان مخالفت با قوانین موجود و به‌اشتراک‌گذاری انواع محتوا در قالب مطالب اعتراضی، هنری و تصویری استفاده کردند؛ محتوایی که در بسیاری موارد با روایت‌های رسمی متفاوت بود. شعار «زن، زندگی، آزادی» در مدت کوتاهی از مرزهای جغرافیایی فراتر رفت و به یک شعار مشترک در اعتراضات خیابانی و همچنین در فضای مجازی تبدیل شد.

این پژوهش به بررسی نحوه انعکاس جنبش موسوم به «زن، زندگی، آزادی» در اینستاگرام طی بازه زمانی ۲۵ شهریور تا ۳۰ آذر می‌پردازد. از آنجا که اوج این اعتراضات در پاییز رخ داد و پس از آن به تدریج رو به خاموشی رفت، این بازه زمانی برای تحلیل مضمون کامنت‌ها انتخاب شده است. هدف این پژوهش آن است که بررسی کند اینستاگرام چگونه علاوه بر کارکرد ارتباطی‌اش، به‌عنوان بستری برای انعکاس خواسته‌های معترضان عمل کرده و کاربران چگونه از اینستاگرام به‌منظور بیان مطالبات و جلب توجه عمومی استفاده می‌کنند. بر این اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوالات است که جنبش موسوم به «زن، زندگی، آزادی» چگونه در اینستاگرام توسط کاربران و فعالان منعکس شده و کنشگری دیجیتال کاربران چگونه باعث تقویت و استمرار یافتن این اعتراضات شده است.

این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که چگونه مسائل سیاسی در فضاهای دیجیتال شکل می‌گیرند و رسانه‌های اجتماعی به چه صورت می‌توانند به بسترهایی برای دیده‌شدن مطالبات اقشار مختلف جامعه تبدیل شوند. تحلیل نظرات کاربران در اینستاگرام امکان بررسی ابعاد زیباشناختی، احساسی و سیاسی اعتراضات را فراهم می‌آورد و هم‌زمان به چالش‌های فرهنگی، هویتی و سیاسی توجه می‌کند.

۲. ضرورت تحقیق

با وجود افزایش پژوهش‌های مرتبط با اعتراضات سال ۱۴۰۱، بخش عمده این مطالعات بر علل شکل‌گیری اعتراضات، ویژگی‌های کنشگران، نقش رسانه‌ها در بسیج سیاسی یا بازنمایی رویدادها در رسانه‌های رسمی و برون‌مرزی متمرکز بوده‌اند. در مقابل، نحوه تولید معنا و شکل‌گیری روایت‌های کاربران در فضای تعاملی شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در بخش نظرات کاربران که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های گفت‌وگو، منازعه گفتمانی و شکل‌گیری افکار عمومی است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که کامنت‌های کاربران صرفاً واکنش‌هایی فردی به محتوای منتشرشده نیستند، بلکه بستری برای بازتعریف رویدادها، بیان تجربه‌های زیسته، صورت‌بندی مطالبات، شکل‌گیری هویت‌های جمعی و رقابت روایت‌های مختلف درباره یک رویداد اجتماعی محسوب می‌شوند. از این منظر، بررسی مضامین حاکم بر نظرات کاربران اینستاگرام می‌تواند درک دقیق‌تری از شیوه بازنمایی اعتراضات ۱۴۰۱، نحوه مشارکت کاربران در فرآیند معناسازی جمعی و نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری و تداوم گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی فراهم آورد و یکی از خلأهای موجود در مطالعات مربوط به رسانه‌های اجتماعی و اعتراضات معاصر ایران را پوشش دهد.

۳. پیشینه تحقیق

بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های مربوط به اعتراضات ۱۴۰۱ بر کنش‌های خیابانی و مواجهه حکومت با اعتراضات متمرکز بوده‌اند و تنها بخشی از مطالعات به نقش رسانه‌های دیجیتال، به‌ویژه اینستاگرام، پرداخته‌اند.

سمیعی و همکاران (۱۴۰۳) در تحلیل ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ از منظر نظریه جنبش‌های نوین اجتماعی کاستلز، با تأکید بر نقش فضای مجازی و نسل دیجیتال، این اعتراضات را فاقد برخی شاخص‌های جنبش اجتماعی نوین دانسته‌اند. امین‌صارمی (۱۳۸۷) نیز در بررسی جنبش‌های جدید اجتماعی، بر ویژگی‌هایی چون ساختار غیرمتمرکز، اتکای بیشتر به کنش‌های فرهنگی و گفتمانی و استفاده از رسانه‌های جمعی تأکید کرده است.

حسین‌زاده و توسلی(۱۴۰۳)، با تحلیل ۴۴ صفحه اینستاگرامی فمینیستی، نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی به بستری برای بیان مطالبات زنان و اثرگذاری بر جامعه واقعی تبدیل شده‌اند. انصاری‌فرد و صالحی (۱۴۰۲) نیز با بررسی جامعه‌شناختی اعتراضات ۱۴۰۱، نقش اینستاگرام و واتساپ را در شکل‌گیری و گسترش جنبش «زن، زندگی، آزادی» و تغییر نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی برجسته کرده‌اند. جمیری و کشاورز (۱۴۰۳) نیز بر تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و هویت متفاوت نسل زد و نقش این فضا در سازماندهی اعتراضات تأکید کرده‌اند.

در مقابل، طالبیان و طالبیان (۱۳۹۶) با بررسی صفحه «آزادی یواشکی زنان»، میان بازنمایی رسانه‌ای و ایجاد تغییر اجتماعی تمایز گذاشته و بر محدودیت ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد مشارکت مؤثر تأکید کرده‌اند. نجفی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مطالعه بازنمایی اعتراضات ۱۴۰۱ در بی‌بی‌سی فارسی، نقش رسانه‌های خارجی را در برجسته‌سازی اعتراضات و شکل‌دهی افکار عمومی بررسی کرده‌اند. عباس کاظمی (۱۴۰۱) نیز با مفهوم «حیات شبکه‌ای» و «جنبش زندگی»، بر ساختار افقی جنبش، نقش پررنگ زنان و تبدیل مسائل شخصی به موضوعات سیاسی در شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد.

در مجموع، مطالعات موجود بیشتر به نقش رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری، گسترش، بازنمایی و سازماندهی جنبش ۱۴۰۱ پرداخته‌اند؛ بااین‌حال، کمتر پژوهشی به ذهنیت و تجربه کاربران در بستر اینستاگرام و به‌ویژه محتوای تولیدشده توسط آنان در قالب کامنت‌ها توجه کرده است. پژوهش حاضر با تحلیل کامنت‌های منتشرشده در صفحات پرمخاطب اینستاگرام می‌کوشد به تجربه زیسته، نگرش‌ها و مطالبات کاربران نزدیک شود و تفاوت روایت آنان با روایت رسمی را بررسی کند. از این منظر، اینستاگرام نه صرفاً به‌عنوان ابزار ارتباطی، بلکه به‌عنوان عرصه‌ای برای شکل‌گیری و بازتاب مطالبات اجتماعی مطالعه می‌شود.

۴. روش تحقیق

در این پژوهش، قلمرو تحقیق سکوی اینستاگرام و بازه زمانی مورد نظر از ۲۵ شهریور تا ۳۰ آذر ۱۴۰۱ تعیین شده است. برای گردآوری داده‌های مورد نظر از این سکو ابتدا نیاز به نمونه‌گیری از صفحات متناسب با اهداف تحقیق و سپس نمونه‌گیری از کامنت‌های درج شده ذیل پست‌ها بود.

برای انتخاب صفحات مناسب این تحقیق، چهار معیار مد نظر قرار گرفتند: ۱. میزان فعالیت مستمر قابل دسترس در دوره زمانی مورد نظر ۲.تعداد دنبال‌کنندگان قابل توجه ۳. میزان تعامل کاربران که نشان‌دهنده سطح بالای تعامل و تاثیرگذاری صفحه منتخب باشد ۴. تمرکز محتوایی بر موضوعات اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی مرتبط با اعتراضات و مطالبات مردمی. علاوه بر این تلاش بر این بود

تا صفحات از بین طیف متنوع کنشگران (فعالان سیاسی، سلبریتی‌ها و فعالان رسانه‌ای) انتخاب شوند. هرچند جستجوها در این مرحله نشان داد صفحات پرمخاطب در اینستاگرام در انحصار مخالفان نظام سیاسی در ایران هستند و صفحات موافق نظام سیاسی طرفداران بسیار اندکی دارند؛ به شکلی که نمی‌توان آنها را در این تحقیق گنجاند. بر اساس ملاحظات فوق، صفحات مربوط به شرح زیر انتخاب شد.

جدول شماره ۱. صفحات منتخب از پلتفرم اینستاگرام

	کاربر	جایگاه اجتماعی	دنبال‌کننده	تعداد پست
۱	مهناز افشار	سلبریتی	۱۸/۸۰۰/۰۰۰	۴۸۳
۲	گلشیفته فراهانی	سلبریتی	۱۷/۱۰۰/۰۰۰	۱۰۲۵
۳	علی کریمی	سلبریتی	۱۴/۵۰۰/۰۰۰	۷۲۲
۴	سینا ولی‌الله	سلبریتی	۹/۵۰۰/۰۰۰	۲۷۷۰
۵	گوگوش	سلبریتی	۶/۶۰۰/۰۰۰	۹۱۶
۶	رضا پهلوی	فعال سیاسی	۵/۲۰۰/۰۰۰	۱۱۱۶
۷	مهدی فلاحتی	خبرنگار	۱/۱۰۰/۰۰۰	۱۵۴۴
۸	سیما ثابت	خبرنگار	۵۲۰/۰۰۰	۲۶۳۳
۹	پانته‌آ مدیری	خبرنگار	۳۹۸/۰۰۰	۶۹۹
۱۰	رعنا رحیم پور	خبرنگار	۳۰۲/۰۰۰	۲۳۸۰

در این پژوهش، ده صفحه مرتبط شامل مجموعاً ۷۵۰ پست بررسی شد. به دلیل حجم بالای داده‌ها، با روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک در نهایت ۱۳۰ پست انتخاب گردید. ذیل این ۱۳۰ پست، حدود ۷۵ هزار کامنت درج شده بود که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک حدود ۱۳ هزار کامنت استخراج شد. برای هر پست، حداکثر ۱۰۰ کامنت بر اساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک با فاصله ۱۰ انتخاب شدند؛ طبیعتا در مواردی که کامنت‌های ذیل هر پست کمتر از ۱۰۰ عدد بودند، تعداد نهایی کامنت‌های قابل تحلیل کمتر از ۱۰۰ مورد بود. در برخی صفحات نیز گاهی بیش از ۲۰۰۰ کامنت بررسی شد تا داده‌های واجد شرایط استخراج شوند.

روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش تحلیل مضمون است و از آنجا که این روش رویکردی توصیفی دارد، به چارچوب نظری نیازی ندارد. در تحلیل مضمون داده‌های گردآوری‌شده (مانند مصاحبه‌های فردی و گروهی، اسناد و مشاهدات) به‌صورت خام مورد بررسی قرار گرفته و به‌کمک کدگذاری و مقوله‌سازی، به ایده‌ها و مضامین اصلی سازمان‌دهی می‌شوند. درواقع، این روش با خلاصه‌سازی

کیفی اطلاعات، امکان تبیین نظام‌مند داده‌ها و استخراج ساختارهای معنایی و الگویی را فراهم می‌آورد (ذکایی، ۱۳۹۹، صص. ۸۵-۸۴).

تحلیل مضمونی یک رویکرد تحلیلی جهت شناسایی، تحلیل و گزارش مضمون‌ها و الگوهای تکرار شده در داده‌هاست. پژوهشگر مضمون‌ها یا الگوهایی را که برای توصیف پدیده مورد نظر یا ارتباط با پرسش(های) پژوهش مهم هستند، مشخص، طبقه بندی و تفسیر می‌کند؛ به گونه‌ای که در نهایت، یک یا چند الگوی معنی‌دار به دست آورد. بدینسان تحلیل مضمونی فراتر از شناسایی و شمارش عبارت‌ها یا واژه‌ها در متن است و می‌کوشد عقیده‌های آشکار یا ضمنی موجود در داده‌ها را شناسایی و از طریق کدگذاری و طبقه‌بندی آن‌ها به مضمون‌های الگویی دست یابد. پس کدگذاری، پیش‌نیازی برای شکل‌گیری یا استخراج مضمون‌ها در متن است.

تحلیل مضمونی به‌صورت صریح ادعای تحلیل ندارد و کمتر وارد حوزه‌های تفسیری یا تبیینی می‌شود؛ اما می‌تواند ادعا کند که بخش زیادی از هر تحلیل کیفی را شامل می‌شود. تحلیل مضمونی در ساده‌ترین شکل خود یک راهبرد طبقه‌بندی برای داده‌های کیفی است که طی آن پژوهشگر داده‌های خود را مرور، تنظیم، کدگذاری و طبقه‌بندی می‌کند و آنگاه مضمون‌ها را که همان نظام الگویی داده‌ای هستند شناسایی و نام‌گذاری می‌کند؛ اما در حالت تحلیلی‌تر، این گزارش می‌تواند با تفسیر بازتابشی او نیز همراه باشد (میرزایی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص. ۱۲۴۳). تحلیل مضمون تحلیلی مبتنی بر استقرای تحلیلی است که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۰، ص. ۶۶).

۱-۴. مراحل اجرای روش تحلیل مضمونی

در مرحله اول پیش از تفسیر معانی، باید به دنبال خواندن متن و توصیف نکات جالب در نظرات پاسخگویان بود. در تحلیل هر بخش از متن، باید آن را در کلیت متن دید (ذکایی، ۱۳۹۹، ص. ۹۷). در مرحله نخست، کدهای زیادی استخراج می‌شوند که بیشتر جنبه توصیفی دارند و به بازنمایی میدان و داده‌ها می‌پردازند. در این مرحله، شناسایی ایده‌های مهم و مرتبط، همراه با یادداشت‌هایی کوتاه برای روشن‌سازی اهمیت آن‌ها، می‌تواند از سردرگمی در مراحل بعدی پژوهش جلوگیری کرده و مسیر تحلیل را شفاف‌تر سازد.

مرحله دوم از توصیف فراتر می‌رود و بر تفسیر تاکید بیشتری می‌کند(ذکایی، ۱۳۹۹، ص. ۹۹). کدهای توصیفی دارای معانی مشابه را می‌توان در گروه‌هایی دسته‌بندی کرده و برای هر گروه، یک کد تفسیری مناسب انتخاب کرد. مضامین مشابه ممکن است در قالب چند کد تفسیری مشترک ظاهر شوند و همچنین ممکن است یک کد توصیفی در بیش از یک کد تفسیری جای گیرد. با این حال، در تحلیل نهایی باید مرزبندی میان مضامین به‌روشنی مشخص باشد.

در مرحله سوم مضامین فراگیری شناسایی می‌شوند که بیان‌کننده مفاهیم کلیدی تحلیل باشند(ذکایی، ۱۳۹۹، ص. ۹۹). در این مرحله، سطح تحلیل از مضامین تفسیری فراتر می‌رود و به سطحی انتزاعی‌تر یعنی مضامین فراگیر می‌رسد. این مضامین بازتاب‌دهنده ایده‌های نظری یا دغدغه‌های کاربردی محقق هستند. در این مرحله دست‌کم ۲ تا ۵ مضمون فراگیر شناسایی می‌شوند که بتوانند بخش قابل توجهی از نمونه‌ها را پوشش دهند. البته در موارد خاص، مضمون‌هایی که تنها در اقلیت معناداری از داده‌ها دیده می‌شوند نیز ممکن است اهمیت داشته باشند.

سه مرحله تحلیل مضمونی در پیوندی تدریجی و تکاملی با یکدیگر قرار دارند؛ اما هر یک تأکید متفاوتی دارند. در مرحله اول، تمرکز بر توصیف داده‌ها و شناسایی نکات برجسته در متن است. مرحله دوم، با عبور از سطح توصیف، وارد مرحله تفسیر می‌شود و از طریق گروه‌بندی کدهای مشابه، مضامین تفسیری استخراج می‌گردند. در مرحله سوم، سطح تحلیل به اوج انتزاع می‌رسد و پژوهشگر با توجه به دغدغه‌های نظری یا کاربردی خود، مضامین فراگیر را شکل می‌دهد.

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش افکار و تصورات کاربران صفحات منتخب درباره اعتراضات ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف ترسیم تصویری از برداشت‌ها و واکنش‌های کاربران در مواجهه با محتوای این صفحات است. این واکنش‌ها نشان‌دهنده نگرش‌ها، حساسیت‌ها، دغدغه‌ها و شیوه‌های درک کاربران از رویدادهای آن دوره است. بخشی از کاربران با تمرکز بر جنبه‌های انسانی و عاطفی رویدادها، واکنش‌هایی مبتنی بر همدلی و حمایت نشان داده‌اند. در مقابل، گروهی دیگر با نگاه انتقادی، درباره بازتاب رویدادها، صحت محتوا و پیامدهای آن‌ها پرسش‌هایی مطرح کرده‌اند. همچنین، برخی از کاربران تجربه‌ها و برداشت‌های شخصی خود را با دیگران به اشتراک گذاشته‌اند و از این طریق در شکل‌گیری یک گفتگوی عمومی مشارکت کرده‌اند. در واقع، کاربران نه‌تنها در مقام دریافت‌کنندگان منفعل ظاهر نشده‌اند، بلکه تلاش کرده‌اند از طریق مشارکت، ابراز نظر و برداشت‌های شخصی خود، نقشی فعال در جریان وقایع ایفا کنند. در ادامه این بخش، مهم‌ترین الگوهای واکنش کاربران در صفحات منتخب بررسی می‌شود تا روشن شود چگونه افکار، احساسات و برداشت‌های آن‌ها نسبت به رویدادهای ۱۴۰۱ شکل گرفته، سازمان یافته و از طریق مشارکت‌های آنلاین ابراز شده است.

جدول شماره ۲. تحلیل مضمون کامنت‌های کاربران اینستاگرام صفحات منتخب در اعتراضات ۱۴۰۱

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
۱.تلاش برای حفظ پویایی کنش جمعی و به دست گرفتن سرنوشت اعتراضات	تلاش برای حفظ و تقویت پویایی اعتراضات	حمایت از معترضین تاکید بر ادامه دادن اعتراضات
	تلاش برای ایجاد بسیج اجتماعی	دعوت به مشارکت و همبستگی اطلاع رسانی از وقایع
	ارزیابی انتقادی از امکان و ظرفیت پیشبرد اعتراضات	انتقاد از معترضین ناامیدی از کاربران
۲.پاسخ‌های عاطفی جمعی به انسداد سیاسی اجتماعی	تجربه سوگ، نگرانی و حسرت جمعی در اعتراضات	ابراز احساسات (اندوه) ابراز احساسات(استیصال) ابراز احساسات (ناامیدی) ابراز احساسات (نگرانی) ابرازاحساسات(همدردی) حسرت آرزوهای از دست رفته
۳.اعمال فشار سیاسی ـ اخلاقی بر نخبگان برای اقدام موثر جهت پیشبرد اعتراضات	مطالبه‌گری معترضان از نخبگان و بازیگران تأثیرگذار برای پیشبرد اعتراضات	انتقاد همدلانه از سلبریتی انتقاد همدلانه از رضا پهلوی انتقاد همدلانه از خبرنگار انتقاد همدلانه از فعال سیاسی پیشنهاد راه‌هایی برای گسترش اعتراضات درخواست از سلبریتی برای به دست گرفتن ابتکار عمل سیاسی درخواست از رضا پهلوی برای به دست گرفتن ابتکار عمل سیاسی

ویراستاری نشده

		درخواست از خبرنگار برای به دست گرفتن ابتکار عمل سیاسی
	تحکیم سرمایه اجتماعی نخبگان و بازیگران تأثیرگذار	ابراز علاقه و حمایت از رضا پهلوی و خاندان پهلوی ابراز علاقه و حمایت از فعال سیاسی ابراز علاقه و حمایت از خبرنگار تقدیر از سلبریتی به خاطر انعکاس مطالبات معترضین تقدیر از فعال سیاسی به خاطر انعکاس مطالبات معترضین تقدیر از خبرنگار به خاطر انعکاس مطالبات معترضین ابراز علاقه و حمایت از سلبریتی
	تضعیف سرمایه اجتماعی و مشروعیت نخبگان و بازیگران تأثیرگذار	تحقیر سلبریتی تحقیر خبرنگار تحقیر رضا پهلوی تحقیر فعال سیاسی افول جایگاه سلبریتی
	انتقاد از ناتوانی بازیگران تأثیرگذار در اقدام عملی مؤثر در جهت پیشبرد اعتراضات	انتقاد از انفعال و بی‌عملی سلبریتی انتقاد از انفعال و بی‌عملی نهادهای بین‌المللی انتقاد از انفعال و بی‌عملی رضا پهلوی انتقاد از انفعال و بی‌عملی رسانه‌های خارجی

ویراستاری شده

	زیر سؤال بردن تعهد و مشروعیت سیاسی بازیگران تأثیرگذار نسبت به اعتراضات	متهم کردن سلبریتی به ایجاد هرج و مرج متهم کردن سلبریتی به فرصت‌طلبی متهم کردن رسانه‌های خارجی به ایجاد هرج و مرج متهم کردن فعال سیاسی به فرصت‌طلبی متهم کردن نهادهای بین‌المللی به فرصت‌طلبی متهم کردن رضا پهلوی به فرصت‌طلبی متهم کردن رسانه های خارجی به فرصت‌طلبی
۴.غلبه زبان عاطفی و اخلاقی در بیان مطالبات	سیاست‌ورزی عاطفی/اخلاقی عدالت‌خواهانه	امید به دادخواهی امید به آینده بهتر تظلم خواهی انتقام‌جویی
	هویت‌سازی و برساخت حافظه جمعی	درخواست آزادی زندانیان سیاسی بزرگداشت نام و یاد کشته‌شدگان شعارهای محوری اعتراضات
۵.منازعه بر سر مشروعیت سیاسی و هویت ملی	بازتعریف تعلق ملی و مشروعیت سیاسی	مخالفت با حجاب اجباری نفی جمهوری اسلامی وطن دوستی

مضامین به‌دست‌آمده از داده‌ها نشان می‌دهد که بیان نظرها در اینستاگرام فقط به خشم، اعتراض یا امید محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از کنش‌های سیاسی، احساسی و نمادین است که به‌طور پیوسته بر یکدیگر اثر می‌گذارند که در مجموع، ماهیت رسانه‌ای و شبکه‌ای اعتراضات را نشان می‌دهند.

۵ مضمون فراگیر شناسایی‌شده عبارتند از:

۱. تلاش برای حفظ پویایی کنش جمعی و به دست گرفتن سرنوشت اعتراضات

۲. پاسخ‌های عاطفی جمعی به انسداد سیاسی اجتماعی

۳. اعمال فشار سیاسی-اخلاقی بر نخبگان برای اقدام موثر جهت پیشبرد اعتراضات

۴. غلبه زبان عاطفی و اخلاقی در بیان مطالبات

۵. منازعه بر سر مشروعیت سیاسی و هویت ملی

۱-۵. تلاش برای حفظ پویایی کنش جمعی و به دست گرفتن سرنوشت اعتراضات

این مضمون فراگیر به یکی از پرسش‌های اصلی اعتراضات اجتماعی در عصر دیجیتال می‌پردازد: اینکه یک اعتراض خودجوش چگونه می‌تواند پویایی خود را حفظ کند، دچار فرسودگی نشود و مسیر آینده خود را تا حدی تعیین کند. یافته‌ها نشان می‌دهد کاربران ایرانی از این فضا برای گزارش رویدادها، زنده نگه داشتن انرژی اعتراضی، تقویت آگاهی جمعی و احساس اثرگذاری استفاده می‌کردند. این دسته از کامنت‌ها بر کنش‌هایی تمرکز داشتند که با هدف حفظ تداوم اعتراضات انجام می‌گرفتند. کاربران اینستاگرام با توجه به نگرانی از عادی شدن خشونت و کاهش تدریجی مشارکت، تلاش می‌کردند فضای بسیج و واکنش جمعی را فعال نگه دارند. برای مثال، برخی کاربران با جملاتی مانند «شجاعت تکثیر می‌شود. هر چه تبر زدی مرا زخم نشد، جوانه شد» یا «کی گفته انقلاب نشد؟ مردم تصمیم به انقلاب گرفتند... فقط مانده موانع را برطرف کنند» بر استمرار حرکت اعتراضی تأکید می‌کردند. برخی دیگر نیز با عباراتی نظیر «با هر قدم پشت پا خالی می‌شود، پس هیچ راهی به عقب نیست» و «این انقلاب یک مسیر یک‌طرفه است و باید تا آخرش برویم وگرنه همه چیز را باختیم» تلاش می‌کردند اراده جمعی برای ادامه اعتراضات را تقویت کنند.

کاربران با انتشار پیام‌های حمایتی، ابراز همدردی و ارسال محتواهای انگیزشی، از افرادی که در اعتراضات حضور فعال داشتند پشتیبانی می‌کردند. این حمایت هم عاطفی بود و هم سیاسی؛ زیرا با شناسایی و قدردانی از فعالانی که گاهی کاربران آنان را قهرمان می‌نامیدند، به ساخت هویت جمعی و احساس تعلق کمک می‌کردند. در سکویی مانند اینستاگرام که مبتنی بر لایک، کامنت و اشتراک‌گذاری است، این حمایت‌ها می‌تواند به سرمایه نمادینی برای معترضان تبدیل شود.

تأکید کاربران بر ادامه داشتن اعتراضات تلاشی رسانه‌ای برای واکنش نشان دادن به روایت‌هایی بود که اعتراضات را پایان‌یافته یا کم‌اهمیت جلوه می‌دادند. کاربران با استفاده از شعارهایی مانند «ما همه مهسا هستیم» یا پیام‌هایی نظیر «قهرمانان، به یاد داشته باشید که در انقلاب ۱۳۵۷ هیچ رسانه‌ای وجود نداشت، فقط شجاعت، ایستادگی و تظاهرات... مقاومت کنید، لطفاً نگذارید خون رفقایتان پایمال شود. خدایا، آنها را تنها نگذار» این پیام را منتقل می‌کردند که اعتراضات همچنان جریان دارد و باید از فراموشی آن جلوگیری کرد. تکرار این پیام‌ها را می‌توان تلاشی برای ارائه روایتی متفاوت از روایت‌های رسمی دانست.

دعوت به مشارکت و همبستگی نیز از دیگر مضامین محوری این بخش است. در اینستاگرام این دعوت‌ها اغلب از طریق هشتگ‌های مشترک (#زن_زندگی_آزادی، #مهسا_امینی) یا فراخوان‌های مستقیم برای اتحاد صورت می‌گرفت. برای نمونه، در کنار کامنت

«ما همه مهسا هستیم»، برخی کاربران نیز با وجود اختلاف نظر درباره اولویت مطالبات، بر ضرورت همبستگی تأکید می‌کردند؛ چنان‌که یکی از آنان نوشته بود: «ای کاش همه مردم یک صدا بودن تا از گرونی و فقر نجات پیدا کنیم؛ روسری درآوردن دردی دوا نمی‌کنه.» این نوع کامنت‌ها نشان می‌دهد حتی دیدگاه‌های انتقادی نیز حول ضرورت ایجاد یک کنش جمعی فراگیر شکل گرفته بودند. به این ترتیب، اینستاگرام به فضایی برای مشارکت آنلاین تبدیل می‌شد که در آن مشارکت می‌توانست از انتشار یک کامنت یا استفاده از یک هشتگ تا دعوت دیگران به استمرار اعتراضات را در بر گیرد.

از طرف دیگر، اینستاگرام نقش یک کانال خبری جایگزین را نیز ایفا می‌کرد. در سکوت رسانه‌های رسمی یا روایت‌های محدودی که منتشر می‌کردند، کاربران عادی به خبرنگار تبدیل می‌شدند. آنها ویدئوهای لحظه‌ای از تظاهرات، اعمال خشونت و اخبار مربوط به دستگیری‌ها را منتشر می‌کردند و خود را در جریان اعتراضات سهیم می‌دانستند.

اما کاربران به تلاش برای حفظ پویایی اعتراضات اکتفا نمی‌کردند و دیدگاه‌های انتقادی و حتی خودانتقادی را نیز در بین خود منتشر می‌کردند. این مضامین نشان می‌دهد کاربران تا حدی توانایی تحلیل بازاندیشانه وضعیت را داشته‌اند و می‌توانستند منتقد خود باشند. در جریان اعتراضات، ضعف‌هایی مانند نبود هماهنگی، فقدان رهبری یا اشتباهات تاکتیکی مطرح می‌شد. این انتقادها به معنای مخالفت با اعتراضات نبود، بلکه با هدف بهبود و اصلاح بیان می‌شد. برای مثال، برخی کاربران تصریح می‌کردند که «مبارزه‌ی اینجوری فقط باعث مرگ مردم میشه»، یا با انتقاد از نبود همبستگی می‌نوشتند: «امروز کُرد بیشتر از هر قومی در ایران جون داده... تهران یا شهرهای به‌جز بلوچستان جز رجزخوانی و بوق زدن... چیا کردن؟ یکی بگه این کجاش همبستگیه؟» گروهی دیگر نیز بر ناکافی بودن کنش‌های مجازی تأکید کرده و می‌نوشتند: «در حال حاضر خیابان‌ها باید شاهد اعتراض مردم باشند نه فضای مجازی» یا با لحنی انتقادی خطاب به سایر کاربران می‌گفتند: «همه بشینید خونه تکون هم نخورید تا جوون‌ها براتون انقلاب کنند.» این نمونه‌ها نشان می‌دهد کاربران از طریق انتقاد و خودانتقادی نیز در شکل‌دهی روایت اعتراضات نقش فعالی ایفا می‌کردند.

انتقاد از خود و بازاندیشی در شیوه‌های اعتراض، در برخی موارد به احساس یأس و سرخوردگی نیز منجر می‌شد. برخی کاربران پس از ماه‌ها اعتراض، از اینکه معترضان به زندگی عادی بازگشته‌اند یا خیابان‌ها خالی شده است ابراز ناامیدی می‌کردند. این کامنت‌ها گاهی با لحنی سرزنش‌آمیز و گاهی با حس اندوه و حسرت همراه بودند. اگرچه این احساس ناامیدی می‌توانست ناشی از ناکامی در ایجاد تغییرات فوری باشد؛ اما هم‌زمان زمینه‌ای برای بازاندیشی و بازسازی امید در میان کاربران نیز فراهم می‌کرد.

۲-۵. پاسخ‌های عاطفی جمعی به انسداد سیاسی ـ اجتماعی

این مضمون به واکنش‌های عاطفی کاربران نسبت به فشارها و محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. اعتراضات علاوه بر بعد سیاسی، تجربه‌ای جمعی و احساسی هستند که کاربران از طریق شبکه‌های اجتماعی آن را ثبت می‌کنند و با دیگران به اشتراک می‌گذارند. یکی از ابعاد این واکنش‌ها، تجربه سوگ، نگرانی و حسرت جمعی در اعتراضات است. اندوه تنها یک احساس شخصی نیست، بلکه جنبه‌ای اجتماعی و سیاسی دارد و می‌تواند در حفظ حافظه جمعی و تداوم مطالبه عدالت نقش ایفا کند. این احساس به‌ویژه در دوره‌هایی که اعتراضات فروکش کرده‌اند، بیشتر نمایان می‌شود. کاربران با بیان مستقیم تجربه‌های عاطفی خود، هم از فشارهای ذهنی می‌کاهند و هم زمینه همدلی با دیگران را فراهم می‌کنند. برای نمونه، کامنت‌هایی مانند «از حجم این همه غم حوصله هیچ چیز نیست، لعنت بر این زندگی»، «دیشب من و خانمم با دیدن این تصویر از اول تا آخرش فقط اشک ریختیم» یا «کاش منو کشته بودن مهسا جان، اشکم بند نمیاد با دیدن این ویدئو» نشان می‌دهد که بسیاری از کاربران تجربه اعتراضات را با احساسی عمیق

از سوگ و فقدان روایت می‌کردند. در همین راستا، برخی نیز با نگاهی انتقادی به تداوم این وضعیت می‌نوشتند: «هی عکس جوان قاب می‌کنیم، ۲۰ ساله، ۲۲ ساله، هشتگ ترند می‌زنیم، لب می‌گزیم، خون گریه می‌کنیم... این راهش نیست... اینها جان هستند که می‌روند، جان‌های شیرین.» این دسته از کامنت‌ها علاوه بر اندوه، نگرانی نسبت به ادامه روند خشونت و تکرار قربانی شدن جوانان را نیز بازتاب می‌دهند.

ابراز همدردی یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد همبستگی جمعی است. کاربران با همدردی با خانواده قربانیان یا معترضان آسیب‌دیده، فضایی مشترک از احساسات ایجاد می‌کنند که پایه‌های هویت جمعی اعتراضات را تقویت می‌کند. در کنار این همدردی، حسرت نسبت به آرزوهای ازدست‌رفته نیز به‌طور مکرر در کامنت‌ها دیده می‌شود. کاربران از جوانی، آینده و زندگی‌ای سخن می‌گویند که به باور آنان از دست رفته یا هرگز فرصت تحقق نیافته است. برای مثال، یکی از کاربران با لحنی شاعرانه می‌نویسد: «وای از آن آرزوهای ملتهب و حسرت‌های رنگارنگ، وای از این پیکره‌های خونی سرزمینم، وای از این وداع‌های تلخ و دلخراش، وای از این تمناها و فریاد زیبای آزادی...» و کاربر دیگری با صراحت می‌نویسد: «حیف جوانیم بر باد رفت، تسلیت به قلبمون.» همچنین جملاتی مانند «آدم باورش نمی‌شه این گلا پرپر شدن» و «فقط باید بگیم مردیم برای کمی زندگی» نشان می‌دهد که حسرت در این کامنت‌ها صرفاً به از دست رفتن افراد محدود نمی‌شود، بلکه به از دست رفتن امکان زیستن، آینده و آرزوهای جمعی نیز تعمیم یافته است. بدین‌ترتیب، حسرت نه‌تنها بازتاب یک تجربه فردی، بلکه بیانگر انتظارات و آرمان‌هایی است که کاربران آنها را با اعتراضات پیوند می‌زنند.

۳-۵. اعمال فشار سیاسی ـ اخلاقی بر نخبگان برای اقدام مؤثر جهت پیشبرد اعتراضات

این مضمون یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد بازنمایی اعتراضات ۱۴۰۱ در اینستاگرام است. برخلاف اعتراضات سنتی که اغلب متکی بر رهبری یا نخبگان سیاسی مشخص بودند، اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» عمدتاً افقی و خودجوش بود. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد کاربران اینستاگرام نقش نخبگان، سلبریتی‌ها، فعالان سیاسی و خبرنگاران را در پیشبرد اعتراضات جدی می‌گرفتند و از آنان انتظار مسئولیت‌پذیری سیاسی و اخلاقی داشتند. این مضمون نشان می‌دهد کاربران چگونه در رابطه با نخبگان، فضایی برای گفت‌وگو، انتقاد و مطالبه‌گری ایجاد می‌کنند.

مطالبه‌گری معترضان از نخبگان و بازیگران تأثیرگذار برای پیشبرد اعتراضات، نشان‌دهنده نوعی فرآیند پاسخ‌گویی عمومی است که در آن کاربران از افراد دارای سرمایه اجتماعی و رسانه‌ای انتظار دارند از موقعیت خود برای تقویت صدای معترضان استفاده کنند. این انتظار در کامنت‌هایی نظیر «ادمین جان شما که تعداد بیننده بالایی دارید... فراخوان بدید و از فراخوان‌ها حمایت کنید... تو پست‌های ویژه مردم رو دعوت کنید به خیابون...» یا «مردم ایران رو بیدار کنید و از همه استفاده کنید، این آخرین فرصت ماست» به‌صراحت بیان شده است. چنین کامنت‌هایی نشان می‌دهد کاربران صرفاً مخاطب صفحات نبودند، بلکه تلاش می‌کردند صاحبان صفحات و افراد تأثیرگذار را به ایفای نقش فعال‌تر در سازمان‌دهی و گسترش اعتراضات ترغیب کنند.

انتقاد همدلانه از سلبریتی‌ها، رضا پهلوی، خبرنگاران و فعالان سیاسی نیز نشان می‌دهد که کاربران نه از موضع دشمنی، بلکه از موضع انتظار و امید انتقاد می‌کنند. به سلبریتی‌ها یادآوری می‌شود که سکوت نیز نوعی موضع‌گیری است، از رضا پهلوی انتظار می‌رود فراتر از فراخوان‌های کلی اقدام عملی انجام دهد، از خبرنگاران خواسته می‌شود صدای کاربران را بهتر منعکس کنند و از فعالان

سیاسی انتظار می‌رود به‌جای طرح شعارهای کلی، برنامه عملی ارائه دهند. این انتقادها بیانگر آن است که کاربران برای این بازیگران نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اعتراضات قائل بودند.

از طرف دیگر، کاربران علاوه بر انتقاد، پیشنهادهایی نیز برای تقویت اعتراضات ارائه می‌دادند. این پیشنهادها شامل برگزاری اعتصاب، سازمان‌دهی محله‌محور، تقویت رسانه‌های مستقل و ایجاد شبکه‌های حمایتی بود و نشان می‌داد کاربران خود را در فرآیند تصمیم‌گیری و جهت‌دهی به اعتراضات سهیم می‌دانستند. برای نمونه، یکی از کاربران می‌نویسد: «اعتصابات... بخشی از این حمایت و محقق شدن جریان اعتصابات به صاحبین املاک تجاری بسته است که اونا همکاری کنند»، کاربر دیگری پیشنهاد می‌دهد: «بعد از شکل‌گیری جمعیت‌های محله‌محور در جای‌جای تهران به سمت نقاط مشخص‌شده حرکت می‌کنیم... در طول مسیر مدام خیابان‌ها را مسدود کرده و به مسیر ادامه می‌دهیم»، و فرد دیگری از ایرانیان خارج از کشور می‌خواهد: «به نهادها و احزاب مستقل و غیر وابسته کمک مالی کنند تا این رسانه‌ها با تعطیلی مواجه نشوند.» این نمونه‌ها نشان می‌دهد کاربران تنها مصرف‌کننده اطلاعات نبودند، بلکه در مقام پیشنهاددهنده و مشارکت‌کننده در طراحی شیوه‌های کنش اعتراضی نیز ظاهر می‌شدند.

کاربران همچنین از سلبریتی‌ها، رضا پهلوی و خبرنگاران می‌خواستند ابتکار عمل سیاسی را به دست بگیرند و به سخنگویان غیررسمی اعتراضات تبدیل شوند. از آنان انتظار می‌رفت در مجامع بین‌المللی حضور یابند، با سازمان‌های حقوق بشری ارتباط برقرار کنند و فشار بیشتری بر نهادهای قدرت وارد سازند. در کنار این مطالبه‌گری، کاربران از نخبگانی که موضع شفاف اتخاذ می‌کردند یا اقدام عملی انجام می‌دادند نیز حمایت می‌کردند. در اینستاگرام، این حمایت به شکل لایک، کامنت و بازنشر نمود پیدا می‌کرد و به افزایش اعتبار و منزلت اجتماعی این افراد در میان معترضان می‌انجامید. این روند نشان می‌دهد بازنمایی اعتراضات تنها محصول فعالیت کاربران عادی نبود، بلکه نخبگان نیز از طریق موضع‌گیری‌های خود در شکل‌دهی روایت اعتراضات نقش داشتند.

در مقابل، نخبگانی که سکوت می‌کردند، موضع مبهم می‌گرفتند یا رفتارشان با اظهاراتشان همخوانی نداشت، با تضعیف سرمایه اجتماعی و واکنش‌های تند کاربران مواجه می‌شدند. سکوت یا همکاری سلبریتی‌ها، خبرنگاران و فعالان سیاسی با حکومت، واکنش‌های انتقادی و گاه تحقیرآمیز را در پی داشت. کاربران معتقد بودند محبوبیت افراد دیگر تنها به هنر یا شهرت آنان وابسته نیست، بلکه به میزان همراهی آنان با مطالبات اعتراضی نیز بستگی دارد. از این رو، حتی نخبگانی که نیت همراهی داشتند، در صورت عملکرد ضعیف یا ناکارآمد نیز هدف انتقاد قرار می‌گرفتند. این امر نشان‌دهنده تغییر معیارهای مشروعیت و اعتبار در فضای اینستاگرام طی اعتراضات ۱۴۰۱ است.

کاربران نه‌تنها از نخبگان داخلی، بلکه از بازیگران بین‌المللی نیز انتظار اقدام جدی داشتند. انتقاد از سازمان‌های حقوق بشری که تنها به صدور بیانیه اکتفا می‌کنند، رسانه‌های خارجی که پس از مدتی اعتراضات را به حاشیه می‌برند و نهادهای بین‌المللی که اقدام مؤثری انجام نمی‌دهند، بخش مهمی از این مضمون را تشکیل می‌دهد. برای نمونه، یکی از کاربران می‌پرسد: «چرا کسی کاری نمی‌کنه؟ مردم ایران رو با هر ترفندی قتل‌عام می‌کنند، چرا مجامع بین‌الملل اقدام جدی انجام نمی‌دن؟» کاربر دیگری با نگاهی بدبینانه می‌نویسد: «به هر حال اونا باید اسلحه‌شون رو بفروشند. حالا یا به عرب‌های حاشیه خلیج فارس یا با ترساندنشون از ایران یا به گروه‌های تجزیه شده ایرانی برای جنگ داخلی. گزینه سومی وجود نداره» و فردی دیگر نیز اظهار می‌کند: «متأسفانه صحبت‌های دنیای غرب هم دلسردکننده است، ولی برای شروع از آنها اجازه نگرفتیم و بی‌آنها ادامه می‌دهیم.» این نمونه‌ها نشان می‌دهد حتی روایت‌ها و عملکرد رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز از سوی کاربران به‌طور مستمر ارزیابی و نقد می‌شد.

از سوی دیگر، کاربران با رصد عملکرد نخبگان، در مواردی بدبینانه‌ترین برداشت‌های خود را نسبت به انگیزه‌ها و اهداف آنان بیان می‌کردند. در این کامنت‌ها، اقدامات برخی نخبگان بیشتر در راستای منافع شخصی یا اهداف سیاسی خودشان تفسیر می‌شد تا در جهت خواسته‌های معترضان. این موضوع بیانگر نوعی بحران اعتماد در میان بخشی از کاربران است. برای مثال، در برخی کامنت‌ها آمده است: «آخه این افراد نادان یکم عقل تو کله داشتن می‌فهمیدن که شما براشون تره هم خورد نمی‌کنین، فقط چون پول گرفتین شدین دایه عزیزتر از مادر»، یا خطاب به یکی از چهره‌های تأثیرگذار نوشته شده است: «با اون همه ادعا که شما داری می‌توانستی خیلی بیشتر فعالیت کنی تو رسوندن صدای ایران به دنیا.» همچنین یکی دیگر از کاربران با لحنی تند می‌نویسد: «فازت چیه؟ الان وقتشه بترکونی، جمع کن این مهمون‌بازیارو... با این تریبون و دم دستگاهی که در اختیار دارین می‌توانستید صدای اعتراض و خشم هموطنانتون باشید.» این دسته از کامنت‌ها نشان می‌دهد کاربران نه‌تنها عملکرد، بلکه تعهد و مشروعیت اخلاقی و سیاسی نخبگان را نیز به‌طور مداوم مورد ارزیابی قرار می‌دادند و آنان را در برابر افکار عمومی پاسخ‌گو می‌دانستند.

٤-٥. غلبه زبان عاطفی و اخلاقی در بیان مطالبات

یکی از مهم‌ترین کارکردهای اینستاگرام در اعتراضات ۱۴۰۱، تولید معنا، برساخت نماد و ایجاد هویت جمعی است. اعتراضات اجتماعی تنها به هماهنگی فیزیکی نیاز ندارند، بلکه برای تداوم خود باید روایت‌های مشترک، حافظه جمعی و چارچوب‌های معنایی ایجاد کنند که افراد را به یکدیگر پیوند دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد عواطف و احساسات در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ نقش پررنگی در بسیج کاربران داشتند. برخلاف تصور رایج که سیاست را امری کاملاً عقلانی می‌داند، بخش مهمی از کنش اعتراضی بر عواطف اخلاقی همچون عدالت‌خواهی، امید، تظلم‌خواهی و حتی انتقام‌جویی استوار بود.

امید به دادخواهی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های بسیج در اعتراضات است. کاربران با تأکید بر اینکه جنایت‌ها نباید فراموش یا بی‌پاسخ بماند، تلاش می‌کردند احساس مسئولیت و هویت مشترک معترضان را حفظ کنند. این مضمون در کامنت‌هایی مانند «جرم و جنایت بی‌جواب نخواهد ماند، همانند اینو تاریخ‌ها نوشتن» یا «هر کجا بروی پیدات می‌کنیم و باید محاکمه شوی» به‌روشنی دیده می‌شود. این نمونه‌ها نشان می‌دهد دادخواهی برای کاربران صرفاً مطالبه‌ای حقوقی نبود، بلکه به بخشی از حافظه اخلاقی و هویت جمعی اعتراضات تبدیل شده بود.

در کنار دادخواهی، امید به آینده بهتر نیز یکی از مضامین برجسته کامنت‌هاست. بسیاری از کاربران اعتراضات را صرفاً واکنشی به وضعیت موجود نمی‌دانستند، بلکه آن را تلاشی برای ساخت آینده‌ای متفاوت تلقی می‌کردند. این نگاه در کامنت‌هایی مانند «به امید روزی که انسان بودن و انسانیت به کشورمون برگرده و هیچ غم و استرسی تو کشورمون نباشه و هممون با آرامش زندگی کنیم»، «این نسل قطعاً طعم آزادی را خواهد چشید، شک نکنید» و «این تیره شب هولناک را به پایان خواهیم رساند» بازتاب یافته است. این دسته از کامنت‌ها نشان می‌دهد امید، علی‌رغم تجربه خشونت و سرکوب، همچنان یکی از منابع مهم استمرار کنش اعتراضی بوده است.

کاربران با تأکید بر مضمون تظلم‌خواهی، خود را قربانیان ظلم معرفی می‌کنند و با روایت رنج قربانیان، می‌کوشند همدلی و حمایت افکار عمومی را جلب کنند. در کنار آن، مضمون انتقام‌جویی نیز در بخشی از کامنت‌ها دیده می‌شود که بیانگر خشم انباشته و احساس بی‌عدالتی است. برای نمونه، عباراتی مانند «انتقامتو می‌گیریم، نمی‌بخشم»، «نمی‌تونیم آروم باشیم وقتی هر روز شاهد به شهادت رساندن فرزندان ایرانیم» و «این خشم فروخورده وقتی فوران کنه هیچ سلاحی نمی‌تونه جلوشو بگیره» نشان می‌دهد زبان

کاربران میان دو قطب دادخواهی و انتقام در نوسان است. بر این اساس، طیفی از احساسات ــ از امید تا خشم ــ یکی از مهم‌ترین مضامین تولیدشده در فضای اینستاگرام را تشکیل می‌دهد.

هویت‌سازی و برساخت حافظه جمعی نیز از دیگر ابعاد این مضمون است. بدون هویت مشترک، افراد نمی‌توانند خود را عضوی از یک حرکت اعتراضی تصور کنند و همین احساس تعلق، بار عاطفی قابل توجهی به اعتراضات می‌بخشد. یکی از مهم‌ترین نمودهای این فرآیند، درخواست آزادی زندانیان سیاسی است. کاربران با انتشار نام و یاد زندانیان تلاش می‌کنند آنان را از فراموشی حفظ کرده و به بخشی از روایت جمعی اعتراضات تبدیل کنند. این درخواست‌ها در عمل نوعی مقاومت در برابر حذف یا کم‌رنگ شدن روایت اعتراضات محسوب می‌شود.

بزرگداشت نام و یاد کشته‌شدگان نیز یکی دیگر از مهم‌ترین سازوکارهای حفظ حافظه جمعی است. در اینستاگرام این بزرگداشت‌ها از طریق هشتگ‌ها، یادآوری سالگردها و کامنت‌هایی انجام می‌شد که قربانیان را به نمادهای اعتراضات تبدیل می‌کرد. برای نمونه، کاربرانی با نوشتن جملاتی مانند «اسمش در تاریخ ایران خواهد درخشید»، «روحت در آرامش باد دختر ایران‌زمین» و «برای ندا، برای نوید، برای ستار، برای مهسا، برای تمام صداهای بریده‌شده در گلو» تلاش می‌کردند یاد قربانیان را زنده نگه دارند. این دسته از کامنت‌ها نشان می‌دهد کاربران با روایتگری درباره قربانیان، روایت رسمی را که آنان را اغتشاشگر معرفی می‌کرد به چالش کشیده و روایت جایگزین خود را بازتولید می‌کردند.

شعارهایی که از سوی کاربران ساخته یا بازتکرار می‌شد نیز نقش مهمی در ایجاد یک زبان مشترک ایفا می‌کرد. شعارهایی مانند «زن، زندگی، آزادی» یا عبارت «برای...» همراه با نام قربانیان، تنها در خیابان حضور نداشتند، بلکه در فضای اینستاگرام نیز به‌طور مستمر بازتولید می‌شدند. این شعارها با تبدیل شدن به هشتگ‌های فراگیر، علاوه بر حفظ انسجام درونی جنبش، به پیوند اعتراضات داخلی با شبکه‌های همبستگی فراملی نیز کمک می‌کردند.

۵-۵. منازعه بر سر مشروعیت سیاسی و بازتعریف تعلق ملی

این مضمون به چگونگی بازتعریف مفاهیم بنیادین سیاست، هویت و تعلق ملی در کامنت‌های کاربران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد کاربران صرفاً درباره رخدادهای روز اظهار نظر نمی‌کنند، بلکه از خلال روایت اعتراضات، برداشت‌های خود را از دولت، ملت، آزادی، عدالت و میهن نیز بازتعریف می‌کنند. از این منظر، اینستاگرام صرفاً محلی برای واکنش به رویدادها نیست، بلکه عرصه‌ای برای رقابت بر سر تولید معنا و مشروعیت سیاسی است.

یکی از مهم‌ترین مضامین این بخش، نفی مشروعیت جمهوری اسلامی است. بخش قابل توجهی از کاربران، اعتراضات را نه در چارچوب اصلاح وضع موجود، بلکه در قالب رد کلیت نظام سیاسی صورت‌بندی می‌کنند. در این کامنت‌ها، حکومت مسئول مستقیم بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌شود و ادامه اعتراضات به‌عنوان راهی برای پایان دادن به این وضعیت تلقی می‌شود. این مضمون در کامنت‌هایی مانند «این رژیم رفتنی است، دیر یا زود»، «تا این حکومت هست، آرامش برنمی‌گردد» یا «دیگر هیچ راهی جز رفتن این حکومت باقی نمانده» به‌وضوح قابل مشاهده است. این دسته از کامنت‌ها نشان می‌دهد بخش مهمی از کاربران، اعتراضات را تلاشی برای تغییر نظم سیاسی موجود تفسیر می‌کردند.

در کنار نفی مشروعیت نظام سیاسی، بازتعریف مفهوم وطن‌دوستی نیز یکی از مضامین مهم کامنت‌هاست. در روایت رسمی، حمایت از جمهوری اسلامی غالباً معادل دفاع از ایران معرفی می‌شود؛ اما کاربران این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک می‌کنند و تأکید دارند که دفاع از ایران الزاماً به معنای حمایت از حکومت نیست. این بازتعریف در کامنت‌هایی مانند «ما ایران را پس می‌گیریم»، «وطن یعنی مردم، نه حکومت» یا «برای ایران می‌جنگیم، نه برای قدرت» بازتاب یافته است. بدین‌ترتیب، تعلق ملی از وفاداری به حکومت جدا شده و به مردم، سرزمین و آینده کشور پیوند می‌خورد.

مخالفت با حجاب اجباری نیز در این چارچوب صرفاً مخالفت با یک قانون خاص نیست، بلکه به نمادی از مطالبه آزادی‌های فردی و نفی مداخله حکومت در زندگی خصوصی تبدیل می‌شود. بسیاری از کاربران، حجاب اجباری را نقطه آغاز مجموعه‌ای از محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانند و آن را به مسئله کرامت انسانی، اختیار و حق انتخاب پیوند می‌زنند. ازاین‌رو، شعار «زن، زندگی، آزادی» نیز در کامنت‌ها صرفاً به موضوع پوشش محدود نمی‌شود، بلکه به چارچوبی برای بیان طیف گسترده‌ای از مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود.

در مقابل، تحلیل مضمون نشان می‌دهد که هرچند فضای غالب کامنت‌ها انتقادی است؛ اما روایت‌های حامی نظم مستقر نیز در میان کاربران حضور دارند. این دسته از کاربران، اعتراضات را عامل ناامنی، بی‌ثباتی یا مداخله خارجی معرفی می‌کنند و از ضرورت حفظ نظم سیاسی موجود دفاع می‌کنند. برای نمونه، برخی کامنت‌ها اعتراضات را «توطئه دشمنان»، «بازی رسانه‌های خارجی» یا «حرکتی علیه امنیت کشور» توصیف می‌کنند و در مقابل، نیروهای امنیتی و حکومت را مدافع ثبات و امنیت می‌دانند. هرچند این کامنت‌ها از نظر تعداد در اقلیت قرار دارند؛ اما نشان می‌دهند فضای اینستاگرام نیز کاملاً یکدست نبوده و محل تقابل روایت‌های رقیب درباره اعتراضات بوده است.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد بازنمایی اعتراضات در اینستاگرام حاصل برهم‌کنش چندین روایت هم‌زمان است. روایت غالب، اعتراضات را جنبشی مشروع، اخلاقی و میهن‌دوستانه معرفی می‌کند که با تأکید بر عدالت‌خواهی، آزادی، دادخواهی و همبستگی جمعی، روایت رسمی را به چالش می‌کشد. در مقابل، روایت اقلیت، بر حفظ نظم مستقر، مقابله با آشوب و دفاع از امنیت تأکید دارد. این هم‌زمانی روایت‌های متعارض نشان می‌دهد اینستاگرام نه صرفاً فضایی برای انتشار اطلاعات، بلکه عرصه‌ای برای رقابت بر سر تعریف مشروعیت سیاسی، هویت جمعی و آینده جامعه است.

۱-۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل مضمون کامنت‌های کاربران در صفحات منتخب اینستاگرام نشان می‌دهد که بازنمایی اعتراضات سال ۱۴۰۱ صرفاً حاصل محتوای تولیدشده توسط گردانندگان صفحات نبوده، بلکه در فرایند تعامل مستمر کاربران، نخبگان و تولیدکنندگان محتوا شکل گرفته است. کاربران از طریق حمایت از تداوم اعتراضات، دعوت به مشارکت و همبستگی، اطلاع‌رسانی درباره وقایع میدانی، روایت تجربه زیسته، بیان احساسات، خودانتقادی، مطالبه‌گری از نخبگان، بازتولید نمادها و شعارها و تولید روایت‌های جایگزین، در تولید و گردش معانی پیرامون اعتراضات مشارکت فعال داشته‌اند. بنابراین، کامنت‌ها را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از واکنش‌های پراکنده و فردی دانست؛ بلکه آنها در قالب مجموعه‌ای از الگوهای معنایی نسبتاً منسجم، فهم کاربران از اعتراضات را صورت‌بندی کرده‌اند. مضمون غالب در این روایت‌ها تأکید بر ضرورت زنده ماندن اعتراضات و ادامه مبارزه، همراه با انتظار برای ایفای نقش فعال از سوی

نخبگان و بازیگران تأثیرگذار است. این مضمون با مجموعه‌ای از احساسات و ارزش‌ها، از جمله عدالت‌خواهی، سوگ جمعی، امید به آینده بهتر و نفی مشروعیت نظام موجود، پیوند خورده است. در کنار حمایت و دعوت به تداوم اعتراضات، کاربران ضعف‌ها و چالش‌های جنبش را نیز به بحث گذاشته و در کنار امید، گاه ناامیدی و سرخوردگی خود را بیان کرده‌اند. مطالبه‌گری از نخبگان، از سلبریتی‌ها و فعالان سیاسی و رسانه‌ای تا رضا پهلوی و نهادهای بین‌المللی نیز جایگاه برجسته‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که کاربران انتظار دارند این بازیگران از سرمایه اجتماعی و رسانه‌ای خود برای پیشبرد اهداف اعتراضات استفاده کنند و در صورت سکوت یا انفعال، آنان را مورد انتقاد قرار می‌دهند. این امر نشان می‌دهد که اگرچه اعتراضات فاقد رهبری رسمی تلقی می‌شوند، کاربران همچنان برای حمایت و جهت‌دهی نخبگان نقش مهمی قائل‌اند.

هم‌زمان، فرایند معناسازی جمعی از خلال دادخواهی، بزرگداشت کشته‌شدگان، درخواست آزادی زندانیان، تکرار شعارهای محوری، مخالفت با حجاب اجباری، نفی جمهوری اسلامی و بازتعریف وطن‌دوستی، به شکل‌گیری و بازتولید هویت جمعی و چارچوب‌های معنایی اعتراضات کمک کرده است. در نتیجه، فضای کامنت‌های اینستاگرام نه صرفاً عرصه‌ای برای ابراز احساسات یا انتقال اطلاعات، بلکه بستری برای روایت تجربه‌های شخصی، ابراز همدلی، صورت‌بندی مطالبات، تشویق به کنش جمعی، ارزیابی عملکرد بازیگران مختلف و تولید و تثبیت روایت‌های جمعی درباره اعتراضات بوده است. هم‌نشینی این مضامین همچنین نشان می‌دهد که فهم کاربران از اعتراضات صرفاً سیاسی یا امنیتی نبوده، بلکه ابعاد عاطفی، اخلاقی، هویتی، کنشگرانه و مطالبه‌محور درهم‌تنیده‌ای داشته است. از این منظر، مهم‌ترین دستاورد پژوهش صرفاً شناسایی مضامین اصلی نیست، بلکه نشان دادن شبکه‌ای از معانی است که در تعامل با یکدیگر، جهان معنایی کاربران و نحوه فهم آنان از رخدادهای اعتراضی سال ۱۴۰۱ را شکل داده‌اند.

بر اساس این یافته‌ها، کاهش احتمال بروز اعتراضات گسترده در آینده، بیش از آنکه مستلزم کنترل فضای مجازی باشد، به تقویت سازوکارهای گفت‌وگوی اجتماعی و افزایش ظرفیت نظام حکمرانی برای شنیدن و پاسخ‌گویی به مطالبات جامعه وابسته است. فراهم کردن کانال‌های قانونی و مستمر برای بیان اعتراض، نقد و مشارکت اجتماعی می‌تواند مانع از آن شود که شبکه‌های اجتماعی به تنها مسیر ابراز نارضایتی تبدیل شوند. افزایش شفافیت و سرعت اطلاع‌رسانی رسمی در زمان بحران‌های اجتماعی نیز برای کاهش خلأ اطلاعاتی، گسترش شایعات و قطبی‌شدن افکار عمومی ضروری است. همچنین تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی از طریق پاسخ‌گویی مسئولان، رعایت عدالت رویه‌ای و افزایش مشارکت نهادهای مدنی در تصمیم‌گیری‌های عمومی اهمیت دارد؛ به‌ویژه آنکه بخش قابل‌توجهی از مطالبات کاربران با احساس نادیده گرفته شدن و بی‌اثر بودن مشارکت آنان ارتباط دارد.

در کنار این موارد، توسعه سواد رسانه‌ای و دیجیتال، به‌ویژه در میان نسل جوان، برای تقویت توانایی تحلیل انتقادی محتوا و تشخیص اطلاعات نادرست و کاهش تأثیر روایت‌های هیجانی و قطبی‌کننده ضروری است. تحولات فضای مجازی نیز باید به‌جای تقلیل یافتن به رویکردهای امنیتی، به‌طور مستمر از سوی مراکز پژوهشی و دانشگاهی رصد شود؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای پایش افکار عمومی و شناسایی زودهنگام مسائل اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند. تحقق این امر مستلزم شکل‌گیری گفت‌وگویی مستمر میان نهادهای رسمی، رسانه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی است تا شکاف‌های اجتماعی کاهش یابد و اختلافات پیش از تبدیل شدن به تعارضات خیابانی، امکان طرح و حل‌وفصل از طریق گفت‌وگو و مذاکره پیدا کنند.

در نهایت، پایداری اجتماعی بیش از هر چیز به میزان اعتماد عمومی، احساس شنیده شدن مطالبات شهروندان و وجود سازوکارهای مؤثر برای حل مسالمت‌آمیز تعارضات وابسته است. هرچه این ظرفیت‌ها تقویت شوند، امکان تبدیل نارضایتی‌های اجتماعی به اعتراضات فراگیر نیز کاهش خواهد یافت.

ویراستاری نشده

منابع

- انصاری فرد، حسین و صالحی، حمید (۱۴۰۲). واکاوی جامعه‌شناختی ناآرامی های اجتماعی سال ۱۴۰۱ ایران (با تاکید بر شبکه های اجتماعی). *فصلنامه علوم خبری*، ۱۲(۳)، پیاپی ۴۷، ۶۳-۸۳.

https://doi.org/10.22034/lrsi.2024.401132.1139

- جمیری، محمد و کشاورز(بیضایی)، محمد (۱۴۰۳). تحلیل جامعه شناختی ناآرامی‌های خشونت‌آمیز پاییز ۱۴۰۱. *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*، ۵(۱)، پیاپی ۱۷، ۲۹۷-۳۲۲. https://www.psirj.ir/article_195739.html

- حسین زاده، حمیده و توسلی، افسانه (۱۴۰۳). فمینیسم‌سایبر، مطالبات بازنمایی شده از حوزه زنان در شبکه‌های اجتماعی مجازی. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۱۰(۳۷)، ۲۷۱-۳۲۲. https://doi.org/10.22054/nms.2024.73851.1568

- ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۹). *هنر انجام پژوهش کیفی از مسئله یابی تا نگارش*. انتشارات آگاه.

-ربیعی، مهناز (۱۴۰۱). مطالعه تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و توزیع درآمد بر ناآرامی اجتماعی در ایران. پژوهش‌های اقتصادی، ۲۲(۱)، ۱۷۵-۲۰۴. https://noo.rs/kUUHl

- سمیعی، مصطفی، داوری، علی و غفاری، مصطفی (۱۴۰۳). تحلیل ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ ایران از منظر جنبش نوین اجتماعی کاستلز. *دانش سیاسی*، ۲۰(۲)، پیاپی ۴۰، ۴۰۱-۴۲۸. https://doi.org/10.30497/pkn.2024.245985.3142

- صارمی، امین نوذر (۱۳۸۷). جنبش‌های جدید اجتماعی و چالش‌های انتظامی. *پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی*، ۱(۴)، پیاپی ۶، ۸۱-۱۰۲. https://www.magiran.com/p1081704

- طالبیان، حامد و طالبیان، سارا (۱۳۹۶). زنان و کنش‌گری در رسانه‌های اجتماعی (مطالعهٔ موردی: صفحهٔ فیس‌بوکی «آزادی یواشکی زنان»). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۲)، ۲۰۵-۲۲۲. https://doi.org/10.22059/jwdp.2017.62354

-فرامرزیانی، سعید و نورانی زنور، لعیا (۱۴۰۳). تحلیل گفتمان اخبار شبکه تلویزیونی ایران‌اینترنشنال در خصوص حوادث مهرماه ۱۴۰۱ ایران. *رسانه و فرهنگ*، ۱۴(۱)، پیاپی ۲۷، ۱۶۱-۱۸۶. https://journals.ihcs.ac.ir/article_9052.html

- کاستلز، مانوئل (۱۴۰۲). *شبکه‌های خشم و امید*. ترجمه مجتبی قلی‌پور. انتشارات مرکز.

-کاظمی، عباس (۱۴۰۱). حیات شبکه‌ای و جنبش زندگی در ایران ۱۴۰۱: پیشروی از خانه به خیابان. *انجمن علمی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. https://irancsca.ir/۱٤٥۳٦/۰۲/۲۰۲۳

- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی؛ ضد روش (منطق و طرح در روش شناسی کیفی)*. انتشارات جامعه‌شناسان.

- میرزایی، خلیل (۱۳۹۶). *کیفی پژوهی پژوهش، پژوهشگری، و پژوهش نامه نویسی*. انتشارات توحید دانش.

- نجفی، سیدحسین، زرین‌کلاه، علیرضا و هرمزی زاده، محمدعلی (۱۴۰۲). بازنمایی ناآرامی‌های شهریور و مهر ۱۴۰۱ ایران در شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان (مطالعه موردی: شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی). *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ۱۱(۲۴)، ۲۳۷-۲۶۴. https://doi.org/10.22034/ipr.2024.191720

- Aliiiiiiiikarimi8
- Golfarahani
- Googoosh
- Mahnaz-afshar
-Mehdi-falahati-official
- Officialrezapahlavi
- Panteamodiri
- r.rahimpor
- Sima-sabet
- Sinavaliollah

ویراستاری نشده